



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۴ شنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۲۸

میر: سید محمد شمشیری

سال پنجم - شماره ۱۲۱۵

صفحه ۴۱۳۴

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۸۴

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

بقیه صورت مشروح مذاکرات صد و پنجاه و هشتمین

جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۹ تا ۹

۲ - آگهی های رسمی » ۱۱

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۶

صورت مشروح مذاکرات، جلسه روز چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب

۱ - بقیه استیضاح آقای دکتر بقائی

۲ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

مجلس یکساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای امیرحسین ظفر ایلیخان
(نایب رئیس) تشکیل گردید

نایب رئیس - چون در جلسه قبل مجلس بطور تنفس ختم شد صورت مجلس نداریم و بقیه صحبت را آقای دکتر بقائی راجع باستیضاح مطرح میفرمایند.

۱- بقیه استیضاح آقای دکتر بقائی

دکتر بقائی - بنده قبلاً بیخوابم از روزنامه هائی که جرات کردند و عرایض بنده را درج کردند مخصوصاً روزنامه کیهان که همیشه محبت کرده و روزنامه اطلاعات هم که ایندفعه کمال محبت را بخرج داده تشکر بکنم ولی در رادیو بایباید اصلاً چیزی بگویند و یا اگر میگویند همه را بگویند فقط در رادیو بیانات جناب آقای نایب رئیس را ذکر کردند بدون اینکه بگویند که من چه گفته بودم باید اگر میگویند بگویند که من چه گفتم چه جواب بمن داده شده

است و امیدوارم که این يك تذکر برای اداره رادیو کافی باشد.

عباس مسعودی - ولی برای روزنامه ها هیچ تضيیقی وجود ندارد این را مسبقاً باشید

دکتر بقائی - يك موضوع دیگری هم هست که مذاکرات دیروز مجلس اسباب مزاحمت فوق العاده ای فراهم کرده باین ترتیب که از طرف کشمیر و پاکستان و هندوستان و اندونزی و هلند و چند جای دیگر شدیداً اعتراض کرده اند که چرا مجلس شورای ملی ایران در کارهای داخلی آنها مداخله کرده برای اینکه اگر خاطر آقایان باشد در چند وقت قبل تفاوت در اینجا اعتراض کرده بودیم مثلاً برقرار هلند در اندونزی، البته این يك نوع مداخله غیر مستقیم است که مادر امور داخلی شدند کرده بودیم که بسبب است آنها اعتراض کرده ایم. در جلسه گذشته

بنده عرض کردم که در کش رهای آزاد و دموکراسی یکی از حقوق عمومی انسان متمدن آنست که اشخاص بتوانند افکار و عقاید خود را بوسیله مطبوعات انتشار دهند و یا در محافل و انجمنها اظهار کنند و من هم بارعایت این شرط در این موضوع بحثی شروع میکنم، چون زندگی انسان بتنهائی امکان پذیر نیست و اگر يك لحظه فردی خارج از اجتماع زیست کند احساس ضعف و ناتوانی خواهد نمود برای امر ارحیات و حی که در ادامه بقا و هستی خود دارد درصدر پیدا کردن سایر همجنسان خود می افتد و رفته رفته اجتماع تشکیل میشود. وقت جامعه تشکیل شد روابط افراد تشکیل دهند جامعه اول بوسیله هوی و هوس افراد کم کم بواسطه عادات و رسوم دسته جمعی و بالاخره در تنظیم اصولی که از طرف قانونگذاران و علما اظهار میشود برقرار میگردد و چون مطیع يك اصول گردیدند دولت در بین آنها بوجود میاید و قدرت حاکمه از طرف جماعت بدست عدلای از همان مردم داده میشود. دسته ای که بعنوان هیئت حاکمه میخواهند طرز روابط و مناسبات مردم را باینکدیگر تعین کنند ابتدا باید اصول روشن آنها مرتب و اعلام گردد که چگونه و بچه ترتیبی حاکمیت را در بین مردم اعمال مینمایند بنابراین طرز اعمال قدرت عالییه طبقه حاکمه که باصلاح حقوقی قانون اساسی یا حقوق اساسی است (این قسمت چون مربوط به هیئت حاکمه است خواهد اثر میکنم آقایان و وزراء و جناب آقای نخست وزیر توجه بفرمایند (یکنفر از نمایندگان - آقایان و کلامم توجه بفرمایند

حالا آقایان و کلا زادند البته .. بنا بر این طرز اعمال قدرت عالی طبقه حاکمه که با اصطلاح حقوقی قانون اساسی یا حقوق اساسی بوجود می آید . باید در نظر داشت که چون حق اداره کردن اجتماع و اعمال حاکمیت را ملت بیکدمه از برگزیدگان خود میدهد طرز اعمال این حق را نیز ملت باید تعیین کند نه برگزیدگان بنا بر این رژیم حکومت که کفایت از قانون اساسی هر ملت یا طرز اداره کردن هر جامعه است . باید از طرف ملت تعیین و تصویب گردد تا هر موقعیکه ملت اقدامات و عملیات بشت حاکمه را نپسندید و بزبان خود دید و یا طرز اداره نوبنی را مصلحت دانست بتواند زمامداران و اصول اداره خود را تغییر بدهد . در باره منشاء ایجاد دولت و طرز اعمال حق حاکمیت آن در بین علمای اجتماع و سیاست ازاد وار اولیه تشکیل اجتماعات بشری عقاید مختلفی اظهار شده است فلاسفه یونان قدیم در باره تشکیل حکومت فطرت و طبیعت را در نظر میگرفتند مخصوصاً ارسطو زندگی اجتماعی را در اغلب حیوانات مطالعه کرده بود و اجتماع را لازمه خلقت میدانست . سیرون هم انسانرا بالطبع اجتماعی میدانست عده ای دیگر از فلاسفه قدیم معتقد بودند که تشکیل دولت مبنی بر اراده خداوند است و سلطنت را موهبت الهی میدانستند (صحیح است) مخصوصاً در قرون وسطی که روحانیون نفوذ بسیاری داشتند از احساسات باطنی و عواطف مردم گاهی حسن استفاده ... (آقای کشاورز صدر توجه بفرمائید) و اغلب سوء استفاده مینمودند این عقیده رواج کامل داشت تا جائیکه سلاطین را فقط در مقابل خداوند مسئول میدانستند آثار این عقیده تا کون در بین اجتماعات باقیست و در موقع تاجگذاری سلاطین مراسم مذهبی بعمل می آید و در عنوان احکام و فرامین تأییدات خداوندی قید میشود و سلطنت را دویمه و موهبت خداوندی میدانند ولی در بین علمای اجتماع این عقیده طرفدار ندارد و بخصوص سیاسیون معاصر این عقاید را تخطئه میکنند . گاهی در بعضی از قسمتهای جهان علمائی پیدا شده اند که منشاء تشکیل دولت را مبنی بر غلبه و در بعضی از کشورها اصل تکامل را اظهار میدارند ولی از قرن نوزدهم در یک قسمت بزرگ از جهان متمسکین و بلکه متوکل گت در تمام دنیا هلمنا نظریات اقتصادی را بیش کشیده اند و عوامل اقتصادی را منشاء تشکیل دولت و قدرت حکومت تشخیص دادند . در قرن ۱۸ در فرانسه فیلسوف اجتماعی روسو در کتاب ميثاق اجتماعی حاکمیت بلاواسطه را قبول کرد و برای عملی بودن آن اعمال قدرت را در حوزة های کوچک توصیه میکند . بعقیده روسو ممکن است قوه مجریه بشاه واگذار شود ولی چنین پادشاهی را مأمور اجرای تصمیمات ملت میدانند نه برگزیده خداوند . شاه شخصاً نایبستی هیچگونه داخله در قوانینی که طرز عمل قوه مجریه را معین بنماید بکنند تا ملت هر وقت که میخواهد اقتدار را از شاه سلب نموده و شخصاً یا اشخاص دیگر واگذار نتیجه این عقیده اینستکه انتخاب شاه بر حسب اراده ملت و نمیتوان اصول سلطنت موروثی را قبول کرد که باید مقام سلطنت هم انتخابی باشد . گرچه نظریه لوداد اجتماعی در تشکیل دولت آنطوریکه دلخواه سو بود صورت عمل بخود نگرفته است ولی با

مختصر تنبیراتی در دولتهای دموکراسی و بخصوص در سازمان دولتهای سوسیالیست و اصول اتحاد جمهوریها تشکیل فدراسیون صورت عمل بخود گرفته است . اما نظریه ای که عوامل اقتصادی را در تشکیل حکومتها عامل موثر داخلی میدانند نظریه علمای سوسیالیست است . این عقیده را در دنیا رواج دادند (کشاورز صدر اینها شاگردهای مزدگند) و علل اصلی تشکیل دولتها را در نتیجه اختلاف شریعت اقتصادی افراد و دستجات دانستند . بعضیها معتقدند که انگلس با مارکس موجبات پیدایش حق مالکیت انفرادی را در عقاید خود بیان نمودند ولی باید دانست مارکس و انگلس توقعات بیجای افراد و هوسها و حب اختصاصی و تقویت فکر استغناء انحصار برار کرده و در واقع آنچه که پیشینیان تمایل ذاتی بشرتم نهادند و بدو با این خدعه بنده اسارت بگردن مردم نهادند و قومی نهادند . انگلس ثابت کرد طبقات ممتاز (کشاورز صدر - تدریس میفرمائید آقای دکتر ؟) بلی ، انگلس ثابت کرد طبقات ممتاز و اشخاصیکه پول را وسیله تمرکز اموال و اشیاء در نزد خود قرار داده بدان وسیله بسیارین مباحث میکنند نفع پرستی را جانشین احترام و شخصیت بشر کرده اند ایشان دولت را تأسیس میکنند تا با زور و مقررات خشک آن اموال خود را در مقابل فقر احمق کنند با تأسیس دولت فقیر ایجاد میکنند تا فتنه و ابهت آنان نمودار شود . در نتیجه ترویج این عقیده اصول سرمایه داری و طبقات ممتاز تخطئه شد . این علمای بشر دوست که از دردهای طبقات فقیر با خبر بودند گفتند اگر اموال و وسایل تولید اموال از دست افراد گرفته شود بدست اجتماع داده شود و بشر از لحاظ مادی بطور تساوی زندگی کند دولت معنی نخواهد داشت و خود بخود ملغی میشود ...

کشاورز صدر - در بشردوستی انگلس خیلی تردید هست و ملت ایران هم این حرفها را نمی پذیرد .

نایب رئیس - آقای دکتر بقاءئی اجازه بدهید اولاً این مذاکرات در مجلس معنی ندارد .

کشاورز صدر - ما کتابهای انگلس را باره میکنیم اینها مردم درستی نبودند آقای دکتر و ملت ایران این عقاید را نمی پذیرد .

دکتر بقاءئی - ۴۰۰ زیرا در نتیجه حرص و آز ...

نایب رئیس - آقای دکتر بقاءئی این حرفها در مجلس معنی ندارد و این اصولاً برای کلاس درس بهتر است تا استیضاح چون تصدیق میفرمائید که مملکت کارهای زیادی دارد بنده از آقا استدعا میکنم که مستقیماً وارد استیضاح بشوید

یمن اسفندیاری - آقای مسعودی هم قول میدهند همه اینها در روزنامه درج شود

شهاب مسعودی - نخیر آقا اینطور نیست

دکتر بقاءئی - پس این عرابی که بنده کردم و آقای صدر کشاورز هم گفتند تبلیغ مرام اشتراکی بود .

کشاورز صدر - اینها را نخوانید آقا ما کتابهای انگلس را آتش میزیم اگر بخوانید تبلیغ مرام اشتراکی است .

دکتر بقاءئی - پس شما که فرمودید اینها تبلیغ مرام اشتراکی است و در اینجا مناسبت ندارد که بخوانم بنده هم نمیخوانم آقایان تصدیق میکنند که

اینها تبلیغ مرام اشتراکی است و باین عقیده مخالفند؟ (تصدیق نمایندگان) بسیار خوب من دیگر حرفی ندارم ، نمیخوانم ولی میخواهم عرض کنم اینها یک بنده اینجا خوانم عقیده بنده نبود (کشاورز صدر - احسن) بنده هم اینها را نوشتم و با اکثر مطالبی هم که اینجا نوشته شده مراقت ندارم (احسن) ولی خواستم با آقایانی که اینجا بن اعتراض کردند عرض کنم که هر چه اعتراض کردند از جیشان رفتو من خیلی متأسفم که این را عرض میکنم زیرا هر چه آقایان گفتند از این عرضی که بنده خواهم کرد بقبول عوام یک قدری ممکن است بود بشوند خیلی معذرت میخواهم اینها و چیزهای دیگری که بنده خواندم بقلم یک فرد بی حیثیتی است که الان عرض و ناموس و آزادی و همه چیز مردم این مملکت در دست اوست و این آقای سرهنک مهتمدی دادستان نظامی است (دهقان - بچه مناسبت بیک افسر شریفی توهین میکنید ؟ خجالت دارد آقا ، بچه مناسبت میگوئید بی حیثیت است . این حرفها را نزن) کسی که این حرفها را نوشته و آنوقت اینطور عمل میکند این حیثیت ندارد (دهقان - حق ندارید بیک نفر نظامی فحش بدهید) این حرفها توهین بشروطه هست توهین بشاه هست توهین بمقدسات مذهبی هست . تمام اینها هست (کشاورز صدر - هر که نوشته بی قاعده کرده است) آقایان توجه بفرمائید **مکی** - روزنامه دارا را بیاورید به پیشه چه نوشته است .

نایب رئیس - آقایان بنده روز اول هم تذکر دادم که آقایان راجع باستیضاح نراکت بخرج بدهند حالا هم این عرض را میکنم خواهش میکنم توهین بدیگران نکنید

دهقان - چه حق دارند بیک افسر ارتش توهین بکنند کتاب روح القوانین را ترجمه کرده

آزاد - هر کسی چیز بدی نوشته باید مجازات شود .

نایب رئیس - آقای آزاد ساکت باشید آقای دهقان ساکت باشید . (همه هم نمایندگان)

مکی - آقای دکتر بقاءئی این شماره روزنامه هایش است خواهش میکنم اعلام بفرمائید بیاورند

دکتر بقاءئی - من روزنامه هایش را دارم هر کس میخواهد بیاورد ببیند

دهقان - اینها را در روح القوانین نوشته است

دکتر بقاءئی - نخیر آقا مقاله نوشته . مقاله غیر از ترجمه است البته ایشان یک ترجمه هائی هم دارند و در ترجمه های ایشان خیلی چیزها میشود دید مثلا کتاب منتسکیو را ایشان ترجمه کرده اند بفارسی و کار بسیار خوبی کرده اند خدمتی است خوب همه آقایان با کتاب سرو کار دارند میدانید کتاب با حروف ۱۸ یا حروف ۱۲ چاپ میشود و وقتی که یک جملاتی در این کتاب بطور برجسته چاپ میشود یا برای نشان دادن بیشتر آن مطلب است و یا برای گریزدن بیک جاهائی است در این کتاب منتسکیو که ایشان ترجمه کرده اند که من متأسفانه کتابش را اینجا ندارم آن جاهائی که یک چیزهائی زنده ای بمقام سلطنت دارد بطور درشت چاپ کرده البته من میگویم که طرفدار آزادی عقیده هستم هر کس عقیده اش آزاد است ولی میگویم آنکسی که اینها را نوشته و از فکرش بیرون آورده و این

مقالات را نوشته حالا خودش نشسته آنجا و روزنامه نویس را بجرم نوشتن مقالات سابق با عطف با سابق کردن قانون معاکمه میکند من میخواهم از آقای وزیر دادگستری و آقای وزیر جنگ سؤال کنم که این عطف بمسابق چیست ؟ چند سال میشود عطف بمسابق کرد ؟ چون اینها مال همین دوسال اخیر است اگر قانون عطف بمسابق میشود این خودش جرمش براتر بیشتر از کسانی است که دارد محکومشان میکند البته من اینها را در موقع طرح عدالت اجتماعی که بحد الله در این مملکت فراوان است و در کمال عدالت و آزادی داریم زندگی میکنیم این را در موقعی که در باب عدالت اجتماعی صحبت میکنم راجع باین محاکمات توضیحی خواهم داد و در اینجا باید از دوست عزیزم جناب آقای مکی تشکر بکنم که راجع باین محاکمات و همچنین راجع بیک قسمت دیگر یک مدارک خیلی ذیقیمتی تهیه کرده بودند و چون بپرد استیضاح من میخورد من از ایشان خواهش کردم که در اختیار من بگذارند و ایشان هم با کمال سخاوت اینها را در اختیار من گذاشتند و لازم بود که در اینجا تشکر بکنم . پس مقصود این بود آقایان در همان اول تشخیص دادند که اینها تبلیغ مرام اشتراکی است البته تبلیغ ممکن است بدون توهین باشد ولی توی این تبلیغ توهین هست ، توهین بشاه ، توهین بمجلس توهین بقانون اساسی ، توهین بشروطیت ایران ، بنام اینهاست که این شخص در مقاله خودش کرده و حالا خودش دادستان ارتش است . آقایان درست توجه کنید (بکنفر نمایندگان - ترجمه کرده است یا خودش نوشته است) اینها مقاله است آقا خودش نوشته ، آقایان تشریف بیاورند ببینند .

وزیر جنگ - امضاء دارد ؟

دکتر بقاءئی - بلی ، علی اکبر مهتمدی است .

وزیر جنگ - تاریخش چیست ؟

دکتر بقاءئی - تاریخش را نمیدانم الان بشما عرض میکنم در سالهای ۲۳ و ۲۴ است حالا تاریخش را هم عرض میکنم . اگر آقایان خاطرشان باشد در چند وقت پیش در این مجلس اعتبارنامه یک جوان اینجا مطرح بود که این جوان جنابهای بزرگ کرده بود خیلی جنابهای بزرگ کرده ولی بزرگترین جنات او این بود که باستاند آن چندین رأی مخالف باور داده شده بود . آن جناب این بود که چرا اجازه داده بود که این مقالات در روزنامه اش درج بشود . ارسنجانی بجرم اینکه چرا اجازه داده که این مقالات در روزنامه اش درج بشود از مجلس طرد شد (صحیح است) ولی آقایان گریه بکنید ، آنکسی که این مقالات را نوشته الان عرض و ناموس و شرافت مردم در دستش است . این را میگویند هیئت دولت ؟ این را میگویند توهین نامور ؟ آخر شما که میخواهید همه چیز مردم را بدست یک همچو کسی بدهید آقای ساعد ، چرا نمیبرسید این کی بود ؟ این از کجا آمده ؟ چرا همه چیز مردم را میدهید بدست این شخص ؟ اینست که من اعتراض دارم اگر درج این مقالات در روزنامه گناه بوده اگر اجازه نمیدهید که این مقالات در اینجا خوانده شود . اگر میگوئید اینها بد است و منم تصدیق دارم ، چرا آنکسی که گناهش از تمام اینها بیشتر است ، آنکسی که شب اینها را فکر کرده و نوشته نوشته ، او چرا حالا

مقالات ارتش است ؟ او چرا باید باشد ؟ آخر چرا باین چیزها توجه نمیکند ؟ آخر چرا وقتیکه میخواهد عرض و ناموس و آزادی و مال مردم را بدست یک کسی بدهد چرا قبلاً نمی بیند که او چکاره بوده است ؟ حالا ابقه خدمت ایشان هم از آن چیزهای تاریخی است یعنی اینقدر تاریخی است که در دنیا نظیر ندارد و بنده اینجا برای آقایان میخواهم و تحقیقش هم خیلی آسان است برای اینکه اینها عیناً رو نوشتنهای است که بنده از بیرونده کارگزینی این شخص در ارتش بدست آورده ام . عیناً در پرونده اش نظیر همین ورقه با همین حروف و همینطور ماشین شده هست ، تیسار سپهبد میتواند تشریف ببرند و ببینند . خلاصه وضعیتش اینست . این را اول بخوانم ، گزارشی است که اداره کارگزینی ارتش دایره ۵ شعبه ۲ در تاریخ ۲۸-۶-۲۶ راجع باین شخص نوشته . گزارش . محترماً معروض میدارد . همدریف سرهنک دوم علی اکبر مهتمدی از تاریخ ۲۳-۸-۱۳۰۸ بخدمت وزارت امور خارجه داخل ، اینها را خواهش میکنم آقایان دقت بفرمایند چون اگر دقت کنند و در اطرافش فکر کنند خیلی چیزها دستگیرشان میشود و در ۱۵/۷/۱۳۰۹ در نتیجه خاتمه کلاس عالی قضائی وزارت دادگستری منتقل و با سمت امین صلح ، عضو علی البدل ، کیل محکمه بدایت و با زیرس مشغول خدمت بوده و در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۱۳ مجدداً به وزارت امور خارجه منتقل و در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۰۸ منتظر خدمت منظور و بشغل و کالت اشتغال داشته است . در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۱۴ برابر ... اینها عین عبارت است بنده میخواهم تنظیمش با بنده نبوده ، برابر ماده یک حکم ۱۴۵ وزارت جنگ با رتبه همدریف ستوان یکمی با سمت بازرسی در اداره دادرسی ارتش استخدام و در ۱۹/۴/۲۰ بنا بتقاضای شخصی بعلت کسالت مزاج از خدمت ارتش معاف .. این کسالت راهم بنده بعداً توضیح خواهم داد که کسالت شخصی نبوده و تقاضای خودش هم نبوده بیرونش کرده اند و مجدداً برابر تقاضای رکن دوم ستاد ارتش و موافقت ریاست ستاد ارتش وقت از تاریخ ۲۳/۷/۲۷ با پیشینه خدمتی ... ۲۳/۷ درست دقت کنید باحفظ پیشینه خدمت و رتبه همدریف ستوان یکمی با رتبه اعاده و با سمت کارمند دوم انتشارات و تبلیغات شعبه یک رکن دوم ستاد ارتش منتقل میگردد . بعداً از تاریخ ۲۳/۱۰/۲۳ اشتغال وی با سمت تصدی امور کارگزینی افسران و استواران بلشکرک فارس در ماده ۲ فرمان عمومی ارتش شماره ۴۲۷ درج گردیده (اما در پرونده معلوم نیست که این اشتغال بنا به پیشنهاد چه قسمت ز یا دستور چه مقامی بوده فقط در ذیل رو نوشت ماده فرمان مربوط با دداشت شده بفرمایش معاونت دایره تهیه شده) چون نامبرده بمجلس مأموریت عزیمت نموده و از انجام امر ترمرد و خود را مخفی نمود اینهم داستان جداگانه ای دارد آقای دهقان . از تاریخ ۱۷/۱۰/۲۳ در ردیف افسران فراری محسوب کیس از دستگیری بداد گاه تسلیم گردد . پس آنچه که تا اینجا خواندم این یک ستوان یکمی بوده که در تاریخ ۲۳/۷ فراری محسوب شده و گفته اند که هروقت گیرش بیاورند باید بداد گاه تسلیمش کنند

حالا ببیند که چطور بداد گاه تسلیمش کردند اینجا یک نکته ای بود که میبایست قبل از ۲۳ بخوانم اما حالا میخواهم ، گزارشی است که برای مقام بالا تر تهیه شده بنده گفتم که در سال بیست بعلت کسالت مزاج از خدمت ارتش معاف گردیده دادستان دادگاه ویژه (تیسار سرتیپ رزم آرا) استخدام مجدد مهتمدی عضو سابق اداره دادرسی ارتش را پیشنهاد و اداره دادرسی مشارالیه را برای تصدی شغل قضائی مناسب ندانسته بود طبق نامه شماره ۱۶۶۰-۱۹۰۳۲ مورخ ۳۱/۵/۱۳۲۱ . این نامه مال دادرسی ارتش است ، لغادادستان دادگاه ویژه از شغل معوله استغفا نمودند . چون اورا استخدام نکردند دادستان دادگاه ویژه یعنی تیسار رزم آرا استغفا نمودند . شماره ۶۳ مورخ ۲۳/۶/۲۱ گزارشی معظم له و از تاریخ ۲۷-۷-۲۲ بمناسبت تعریف رتیب اداره دادرسی ارتش طی نامه شماره ۱۶۳۵ مورخ ۲۷/۷/۲۱ بدادستان دادگاه ویژه از ستاد ارتش شرحی نوشته شد که نسبت با استخدام مهتمدی البته من معذرت میخواهم اگر القاب را ذکر نمیکم چون این عین خلاصه وضعیت است که میخواهم اگر آقا و اینها تویش بگذارم خیانت در امانت است . نسبت با استخدام مهتمدی با نظر رئیس جدید اداره اقدام نماید و از طرف ستاد ارتش طی شماره ۱۶۸۱۶ مورخ ۲۱/۱۰/۱۸ - ۲۱-۷ تأکید در استخدام مهتمدی میگردد معذک ، این معذک خیلی معنی دارد داد رسی ارتش طی شماره ۴۱۹۸۸ مورخ ۲۷-۸-۲۱ یعنی تقریباً ده روز بعد از آن نامه مؤکد ستاد ارتش عدم احتیاج خود را با استخدام مهتمدی اعلام میدارد مجدداً نامه ای طی شماره ۱۳۵۵ حسب الامر رئیس ستاد ارتش بکارگزینی ابلاغ میگردد که مهتمدی را برای امور روزنامه ای که در نظر است باسم روزنامه ارتش منتشر شود با حقوق ماهیانه یک هزار و هشتصد ریال استخدام نمایند که اداره کارگزینی بعلت عمل مخالف مقررات گزارش تهیه و فرمودند فعلاً تأمل شود . بعداً در تاریخ ۱۵/۷/۲۳ گزارشی از کارگزینی تهیه میشود که استخدام مهتمدی با همدریف ستوان یکمی برخلاف مقررات است . اداره کارگزینی مینویسد در ۱۳۲۳ که این نمیشود با ستوان یکمی وارد شود قبلاً یک موضوعی را عرض کنم خدمت آقایان ؛ در تمام ارتشهای دنیا یک رسمی است و آن اینست که وقتی یک افسری چه بتقاضای خودش وجه بعلت جرم وجه بعلت دیگر اخراج شد و بعداً یا عفو شد یا اگر بتقاضای خودش بود خودش میل کرد که بیاید وارد خدمت ارتش بشود همیشه با یکدرجه تنزل است اینطور هست تیسار؟ (وزیر جنگ - نخیر ، بعداً یک قانون گذشت از مجلس که استثنائاً میتوان با همان درجه استخدام کرد) بسیار خوب ، با همان درجه من قبول دارم همین را اتخاذ سند کردم ، بنویسید این فرمایش آقای وزیر جنگ را ...

قبادیان - آقای دکتر شاید این یک مأموریت خاصی داشته باشد از طرف ارتش ممکن است که آروز میخواستند اند باین ترتیب از وجود این شخص استفاده بکنند .

دکتر بقاءئی - آقای قبادیان الان بمأموریتش هم میرسیم گزارشی از کارگزینی تهیه میشود که

استخدام مهتدی با همدیگه ستوان یکمی برخلاف مقررات است این راهم اضافه کنید که تیسار فرمودند بعداً قانونی گذشته که ممکن است یک افسری که بیرون رفته با همان درجه برگردد من هم خیلی خوشوقت می‌شوم از این قانون تیسار ریاست ستاد ارتش ذیل این گزارش مرفوع فرموده اند بواسطه احتیاجی که بوجود این شخص است فوری گزارشی شرف عرض تهیه شود که با همدیگه ستوان یکمی و حفظ سوابق استخدام شود حسب الامر گزارش شرف عرض تهیه و مورد تصویب شاهانه واقع گردیده و در تاریخ ۲۳ شهریور ماه همان سال طبق ماده سه فرمان ۴۱۶۵ - این نمره‌ها را خوب با دوا داشت کذباً با حفظ پیشینه خدمتی با رتبه سابق بارتش اعاده و بسمت کارمند دفتر دوم انتشارات و تبلیغات شعبه یک رکن دوستاد ارتش منصوب گردید و از تاریخ ۹۹ ماه ۱۳۲۳ خوب توجه بفرمائید با سمت متصدی کارگزینی به لشکر ۶ فارس منتقل گردید - ماده ۲ فرمان عمومی ارتش ۴۲۷۴ - و چون تا تاریخ ۷ بهمن ماه فراری و خود را برای عزیمت بفارس معرفی نمودند اطلاق ماده ۱ فرمان ۴۲۸۸ با ستاد ماده ۳۵۱ قانون دادرسی فراری محسوب و پرونده امر برای تسلیم بوی بدادگاه بداره دادرسی ارتش احاله ؛ خوب دقت کنید این خلاصه وضعیتی است که توی پرونده این شخص هست اگر تamen میخوانم از بین نبرند ، ولی هست و برای جلب و دستگیری او بوسیله دژبانی و ژاندار مری اقدام مؤثر معمول و پس از یاس از پیدایش مشارالیه طبق ماده ۱۱۸۲۲ - اداره دادرسی ارتش قرار مجرمیت برای وی صادر و از تاریخ ۷ بهمن ماه ۱۳۲۳ از خدمت ارتش اخراج گردید مجدداً... ولی قبل از آنکه مجدداً را بخوانم باید یک چیزی بگویم در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۲۳ ایشان اخراج میشوند ، رفتند شدند یک روزنامه نویس و البته سوادش هم بسیار خوب است این را هم بگویم که خوب هم ترجمه میکند ، قدرت ترجمه اش بسیار خوب است ولی من بسیار متأسفم از اینکه « چو دزدی با چراغ آید - گردیده تر برد کالا » آنهم با این استعدادی کدر این شخص هست ، من فوق العاده متأسفم - (کشاورز صدر - در مجرمیت توده‌ها تر دیدی نیست با تمام این تفصیلات هر چه باشد ملت ایران آنها را مجرم میشناسد .) آقای کشاورز صدر بنده یک صحبتی خواهم کرد ولی بنده علم دارم باینکه اگر حکومت ما بدست توده‌ها میافتد محاکماتشان افلا بهمین اقتضاحات محاکمات فعل ما بود (امامی اهری - آنها اصلاً محاکمه نمیکردند) بنده قبول دارم ، هر چه در اینباب بفرمائید با شما هم عقیده هستم و در آذربایجان دیدیم (صفوی - آذربایجان را میخواستند مجزا کنند) این نجس و متفضح و تنگ آور است نظیر این کارهایی که ما خواستیم بکنیم ولی آنچه که من میگویم یک موضوع اصولی است بنده هیچ وقت خوشبختانه انتصاب بجزب توده نداشتم و همیشه تا اینجا هم که از من ساخته بود بارزه کردم با انگلیسها هم به منظور برای اینکه من از روزی که توانستم دست چپ و راست خودم را تشخیص بدم یعنی حرفهای بزرگترهایم را تشخیص بدم موقمی بود که این قرارداد ۱۹۱۹ مطرح شده بود و روسها اسم قفقاز را آذربایجان گذاشته بودند بزرگان محترم ما خیلی متوحش بودند و آن را یک مقدمه ای برای خوردن آذربایجان میدانستند من از آن

اضطراب و این حرفهایک چیزی خاطر هست - عموی من هم همینطور که توی نامه ای که با علیحضرت عرض کرده بودم ، من نه با انگلیس سر و کار دارم و نه با روس و نه با آمریکا (کشاورز صدر - احسنست) آقایان بخواهید من را اینچور هو بکنند من هو نمیشوم من تاریخ شخصی خودم و تاریخ خانوادگیم روشن است یک نقطه تاریخ تویش نیست (صحیح است) پدر من آنجناب کسی است که از ابتدای عمر تا سه ماه پیش از فوتش حساب شخصی خودش را توی دفتر نوشته ، ما چند تا دفتر داریم تا ۱۳۴۰ آنها را بسلیق نوشته من اینها را برای خود نمائی عرض نمیکم ولی لازم است من اینها را عرض کنم تا ۱۳۴۰ با سابق نوشته شده و از ۱۳۴۰ هم بعد با دفتر داری دویل نوشته شده است البته مخارج خانه مثل سبزی سه شاهی نوشته نشده ولی مخارج کل قلم بقلم نوشته شده است - پدر من تاجر نبوده ولی اینها را داریم - عایدات اینقدر مخارج اینقدر - یک دفتر کل هم داریم و تا سه ماه قبل از فوتش دارایی خانوادگی ما معلوم است - روشن است که چی بوده چه داشته ایم وجه داریم - یک نقطه تاریخ کسی نمیتواند علیه من ادعا کند (صحیح است) (بین اسفند یاری - کسی هم مدعی نیست) و اینکه من امروز آمده ام اینجا از آزادی دفاع میکنم فقط برای این ۰۰۰۰ (صفوی - آقا آزادی نبود هرج و مرج بود حرف نزنید - کشاورز صدر - خیانتهای توده ایها را هم بفرمائید) آنها را هم خواهم گفت (احسنست) خیانت آنهاست که امروز اینطور شده است چیزی که موجب شد من بیایم و خودم را بمخاطره بیندازم و این اقدام را بکنم این بود که من دیدم من یک کسی هستم که نه میتوانم بمن بچسباندند که نوکر روس است نه میتوانم بچسباندند نوکر انگلیس است نه میتوانم بگویند نوکر آمریکا است بنده نوکر ایران هستم ، نوکر کشور ایران (آفرین - باریک الله) ولی من خواهش میکنم آقایانی که بمن اعتراض میکنند پیش از اینکه اعتراض بکنند بگذارند من حرفهایم را بزنم چون این اعتراضات یک وقتی سبب اقتضاح خود آقایان خواهد شد - این را خواهش میکنم بگذارند حرفهایم را بزنم - من یک کلمه حرف در اینجا بدون مدرک عرض نمیکم بنده میخواستم وقتی که اینها را میخوانم اعتراض شود . آقای رحیمیان ، آقای دکتر اعتبار ، آقای حائری زاده من بشماچی گفتم پیش از جلسه (صحیح است) نگفتم که اعتراض بکنید بحرفهای من ۰۰۴ من میخواستم که اعتراض شود برای اینکه بفهمید که شما چه بی شرفی را دوستان ارتش کردید - خواستم امروز توی کله تان فرو بروم . برای اینکه اگر همینطوری ساده میگفتم مورد قبول واقع نمیشد (باتما نقلیج - اینطور نیست) یک کسی که تبلیغ مرام اشتراکی بکند ، توهین بمقام سلطنت توهین بمقامات میکرده بتمام رجال مملکت ما توهین کرده و من اینجا روزنامه اش را دارم هر کس بخواهد بیاید بخواند (باتما نقلیج - لباسی بر تنش کرده که...) خفه شو مرتکه (ذنگ ممتد رئیس)

نایب رئیس -

آقای دکتر بقائی شامحق ندارید یک نماینده ای توهین بکنید او حرف میزند شما میگوئید خفه شو یا معذرت بخواهید یا از پشت تریبون پائین بیایید .

دکتر بقائی - بنده معذرت میخواهم از جناب آقای باتما نقلیج نماینده اردبیل

رحیمیان - آقای رئیس چرا برای باتما نقلیج ذنگ نمیزنید که برای آقای ذنگی دکتربقائی میزنید

نایب رئیس - من نظم جلسه را با کمال بیطرفی رعایت میکنم

دکتر بقائی - حرفهایی را که من اینجاده ام کم کم آن سخنی را که من داغ کرده ام دارد سوزش احساس میشود (خنده شدید نماینده گان) حرفهایی که من میزنم قابل انکار نیست تمامش با مدرک است و دلیل دارد ممکن است که نگذارید من حرفهایم را بزنم ولی تمام کسانی که میشوند بدانند که من چه حرفهایی را میخواستم بزنم

باتما نقلیج - میخواستند بشناسند توده ایها را و امروز تعقیبشان کنند

دهقان - یک نماینده ای حق دارد یک سرهنکی بگوید بی شرف ؟

دیگری از نمایندگان - حق ندارد

دهقان - خوب چرا میگوید ؟

دکتر بقائی - عرض کنم که هر چه خواستند باو کار بدهند نشد و طول کشید با این رتبه ستوان یکمی هم نشد استخدامش بکنند چکار کردند ؟ ایشان را چنانند توی وزارت عدلیه ، سه چهار ماه بایک حقوق گرفتاری ، آقای دکتر سجادی یاد داشت بفرمائید و پرونده اش را هم بخوانید - با یک حقوق گرفتاری ایشان در عدلیه مستخدم شد سه چهار ماه اینجا بود بعد مجدداً بر حسب امریه شماره ۲۱۲۷ و ۲۴۲۵ و ۲۲۰۸ وزارت جنگ صادره اداره دادرسی ارتش - اداره دادرسی ارتش با اشتغال مهتدی بسمت وکیل مدافع در دادگاههای نظامی موافق و اداره کارگزینی طی شماره ۵۸۰۰ و ۲۲۹۹ و ۲۰۲۹ مجدداً اشکالات استخدامی مهتدی را مشروحاً گزارش کرد این گزارش هست ولی چون مقرر شده بود آقایان خودتان بروید این ضمیر « شده بود » را پیدا کنید ، من نمیدانم ، چون مقرر شده بود با حقوق سرهنک دومی استخدام گردد - کسی را که ستوان یکم بوده و بیرونش کردند برای اینکه مجدداً برگردد و ستوان یکمی استخدامش کنند اشکال میکردند ولی همانطور که تیسار معظم فرمودند قانونی گذشته که با همان رتبه بتواند برگردد بعد با حقوق سرهنک دومی این در تاریخ نظامی دنیا سابقه ندارد - این را هر نظامی که بشنود میبوهت میشود سابقه ندارد که یک افسری خواه اینکه بخواهش خودش بیرون رفته باشد و باینکه بدتر از این این را بیرونش کرده اند

وزیر جنگ - با درجه سرهنک دومی برنگشته با حقوق آن برگشته .

دکتر بقائی - بدرجه اش هم میرسیم ، عرض کنم که فرض کنیم که بپیل خودش رفته بود بعد از دو سال این را با چهار درجه بالاتر بیاورند استخدامش بکنند ملاحظه کنید امسال هم درجه سرهنک تمامی با دادند نشان هم دادند برای اینکه تصویب بکنند این اقتضاحاتی را دارد عمل میکنند ، آقا نشان دادن یک دادستان یعنی چه ؟ اینها را خودتان فکر کنید ولی البته خوشوقت می‌شوم اگر اینها را جواب بدهید (دکتر اقبال - من

جواب میدهم) شما خیلی جوابها دارید بدهید

یکی از نمایندگان - او افسر تحصیل کرده است .

دکتر اقبال (وزیر کشور) - بنده خیلی حوصله دارم جوابتانرا عرض میکنم .

دکتر بقائی - خیلی خوشوقت می‌شوم که این اسرار را برای ملت ایران حل کنید که یک همدریف ستوان یکمی که اخراج شده بود با آن ترتیب محکوم شده فراری شناخته شده مطرود شده بیکدفعه سردر بیاورد بارتبه سرهنک دومی بدهم سرهنک تمامی بدهم بالا تر چون این یکی از آنها بی است که خیلی بالا می‌رود و از همکاران آتیه جناب آقای دکتر اقبال خواهد بود (یکی از نمایندگان) - خدمتگذار باشد چه اشکالی دارد ؟ خدمتگذار نیست از این مقالاتی که نوشته است ، از این طرز کار و محاکمات ارتش بعد بعرضتان خواهم رساند ، خواهیم دید ۰۰۰

دکتر اقبال - قضاوت جنابعالی خیلی سخی است .

دکتر بقائی - میدانم اگر قضاوت من سطحی نبود که روزگاران بهتر از این بود بعضی ها قضاوتشان عمقی است و آنها کارشان هم خیلی بهتر است ولی مال ما خوشبختانه برای خودمان ، و متأسفانه برای دیگران سطحی است ولی یادتان باشد که اینها را من بعنوان اینکه تبلیغ مرام اشتراکی بود نخوانم و از آقای دکتر سجادی هم من سؤال میکنم که عطف بمسابق تا چند سال میشود کرد برای اینکه من فکر میکنم که از عطف بمسابقی که برای روزنامه ها کردند بعداً این موضوع را بتفصیل مطرح میکنم فعلاً برای مزه دهن عرض میکنم که این عطف بمسابقی را که اینجا برای روزنامه نویسا قائل شده اند ، آنهم مشمول همین مقررات میشود و برای اینکه جلواقتضاح گرفته شود من عقده ام اینست که دستور بدهید که این شخص در همین محاکم متضعی که هست محاکمه اش بکنند و منم مدارکی را که دارم در اختیار آنها میگذارم . این پرونده رسمیش بود اما حقیقتش چیست ؟ آنها که خواندم جزو پرونده رسمی است یک چیزهایی بین السطور دارد که دیگر اینها را توی پرونده نمی نویسند - این یک مقاله ای است مال سه شنبه ۱۵ تیر ماه ۱۳۲۷ مال نامه ه ماورد است و توده ای هم نیست (یکی از نمایندگان - چی آقا ؟) ماورد - آقای علی اکبر مهتدی چنانچه پرونده خدمتی ایشان نشان میدهد در تاریخ ۱۷ آذر ۳۱ بسمت مستنطق اداره محاکمات نظام استخدام شد و از بدو ورود بکمک یکی دیگر از کارمندان ، حاتمی سرتیب خلعتبری را که بعد مقتول شد تحت نفوذ خود قرارداد و ترتیبی در آن اداره ایجاد کرد که کسانی که در آن دوره با دادرسی نزدیک بودند آن دوره را بدترین ادوار دادرسی میدانند تا اینکه افسری شهبازی نام پاتهامی در دادرسی مورد تعقیب قرار گرفت این افسر پس از دوند گهای بسیار و با ارائه دلائل زیاد بر بیگناهی خود بالاخره با آقای مهتدی مواجه گردید ایشان و حاتمی بوی تذکر دادند که بیگناهی تو هم رد قبول است ولی بالاخره ما هم حق خود را میخواهیم ستوان یکم شهبازی از افسران قدیمی بود ولی پولی نداشت که بدهد ناچار هم چنان زندانی

مانند و بالاخره در اثر این ظلم و این وقاحت غیر قابل تصور با خود گفت حالا که کاری نمیتوانم بکنم میروم خلعتبری و مهتدی وحاتمی را میکشم و خودم را هم بعد خواهم کشت مرگ از زندان بهتر است بالاخره یگرور از زندان مخفیانه بیرون آمدم و بسراغ اشخاص مورد بحث رفت تصادفاً آنروز خلعتبری تنها از محاکمات بیرون میآمد شهبازی در بازپرسی گفته که با خود گفتم خوبست از خلعتبری بگذرم و بسراغ آن دو نفر دیگر بروم ولی ترسیدم مباد آنها قلا رفته باشند و چون غیر از آنروز فرصتی بدست نیامدم لذا سرهنک خلعتبری را هدف گلوله قرار دادم سرهنک خلعتبری مقتول شد و شهبازی پاتهام قتل مورد تعقیب قرار گرفت ولی اقتضاح و کثافتکاری و ظلم اداره محاکمات بعدی در محاکمه ستوان شهبازی روشن شد که محکمه با ملاحظه وضعیت خاص قاتل را بعلت کمی حبس محکوم نمود رأی محکمه بعرض اعلیحضرت شاه سابق رسید فرمودند رأی محکمه صحیح است ولی مملکت داری ایجاب میکند قاتل را بکشند . شهبازی اعدام شد و وقتی از وی سؤال کردند که آیا وصیتی داری گفت من از مال دنیا جز این ساعت چیزی ندارم و وصیت کرد که آنرا بخوارش بدهند و تقاضا کرد فرمان اعدامش را خودش بدهد بدین طریق که سرهنک خلعتبری و ستوان شهبازی قربانی سوء اوضاع دادرسی شدند . اداره محاکمات بلافاصله ستوان مهتدی را از خود راند - اینجا که گفتم بعلت کسالت مزاج نبود این پرونده چون بفض است ولی حقیقت اینست که اینجا نوشته شده بعلت این اقتضاحی که شده بود اداره دادرسی وی را از خود راند و ارتش وی را منتظر خدمت نمود بموجب حکم ۴۷۳ و بعد از آن در سال ۱۳۱۷ هر قدر بداره محاکمات اصرار شد که بوی شغل بدهد از دادن شغل امتناع نمود و اجباراً مشارالیه را بسمت منشی دفتر مشاوره فنی بداره تسلیحات فرستادند تا اینکه در تاریخ ۱۲-۵-۳۲۰ چون از گرفتن شغل قضائی مایوس شده بود با تشبیب بهانه کسالت از خدمت ارتش معاف شد و واقع شهروید پیش آمد اوضاع عوض شد اشخاص دیگری با نقشه های جدید بمیدان آمدند و برای اجرای نقشه های خود باشخاصی مانند مهتدی احتیاج داشتند دادستان دادگاه ویژه فراریهای شهروید سرتیب رزم آراء « سپید رزم آرای فعلی » پیشنهاد نمود که آقای علی اکبر مهتدی مجدداً در دادرسی ارتش استخدام شود ولی اداره دادرسی که ریاست آن با سرلشکر ناصرالدوله فیروز بود و دادستان آن آقای معاصر بود صریحاً نظر دادند که آقای مهتدی برای تصدی شغل قضائی مناسب نیست و آقایان همه میدانند سرتیب ناصرالدوله فیروز و آقای معاصر دو نفر از اشخاص شریف این مملکت هستند (صحیح است) خوشبختانه هر دو نفرشان هم زنده هستند - آقایان ممکن است بروید . چون من فرصت نکردم بیرسم واگر میرسیم شاید بمن نیگفتند برای اینکه همین ممکن است اسباب گرفتاریشان شود - یکسال پیش نوشته است تا اینکه آقای سرتیب رزم آراء بعلت عدم (در اینموضع مجلس از اکثریت افتاد)

نایب رئیس - آقای دکتر تأمل بفرمائید .

(پس از لفظه ای اکثریت شد) بفرمائید .

دکتر بقائی - تا اینکه آقای سرتیب رزم آراء

بعلت عدم استخدام ایشان مدتی از شغل دادستانی استعفاء دادند و رئیس دادرسی نیز عوض شد وقتی ستاد ارتش دستور داد که مشارالیه را استخدام کنند بازهم اداره دادرسی ارتش زیر بار قبول مهتدی برای شغل قضائی نرفت بعداً ستاد ارتش در نظر گرفت که مشارالیه را برای روز نامه ارتش استخدام کنند و دستور استخدام هم صادر شد . کارگزینی قبول نمود همینطور این گزارش هم بعرض رسید و صریحاً گزارش شد که استخدام مهتدی با ستوان یکمی خلاف مقررات است و مسأله مسکوت ماند و بالاخره در تاریخ ۲۳ ر ۱۵ ر ۲۳ ریاست ستاد سرلشکر رزم آراء . رئیس ستاد صریحاً دستور داد بواسطه احتیاجی که بوجود این شخص هست « و خیلی احتیاج زیادی دارد که بعد توضیح خواهم داد » فوری گزارش شرف عرض صادر شود و قرار شد که با ستوان یکمی و حفظ سوابق استخدام شود البته این آقایان میبینند و تکیه دیدند این یک چیز مشکلی نبود و تکیه دیدند با ستوان یکمی درست میشود با گزارش شرف عرض درست میشود گفتند خوب حالا که میشود چرا سرهنکی نباشد چرا میدهند اول آنها تمام سعیشان این بود که با همدیگه ستوان یکمی استخدامش بکنند و نمیشد و تکیه دیدند میشود با سرهنک دومی استخدامش کردند نشان هم باو دادند فردا چیزهای دیگری هم بپش میدهند یگروری هم ممکن است در خدمت آقای دکتر اقبال بیایند ایشان هم نخست وزیر باشند او هم وزیر جنگ یا وزیر دادگستری باشد البته وزارت دادگستری برای او مناسبتر است یک روزی هم اینجا خواهند آمد و خواهند نشست ما که بغیل نیستیم بالاخره استخدام مجدد آقای مهتدی در زمان ریاست ستادی سرلشکر رزم آراء عملی گردید اما چون بلافاصله بعد از مدت کمی رئیس ستاد عوض شد آقای مهتدی در زمان ریاست ستاد سرلشکر ارفع در جراید مقالاتی علیه ایشان و ارتش نوشته و ستاد ارتش مهتدی را بلشکر فارس معرفی نموده ولی ایشان فرمان ارتش را قبول نکرده فراری شده وقت فرار هم تسلیم دادگاه گردیده بالاخره از خدمت ارتش اخراج شد و بلافاصله بدستور ارباب خود متوجه معارف چپ که در آن موقع کسب قدرتی نموده بودند گردید آقای مهتدی عامل فساد دادرسی سرهنک خلعتبری ، متوجه عناصر چپ شد و در روزنامه داربا بانشار مقالاتی تحت عنوان انتقاد از قانون اساسی مشغول شد همین مقالاتی که بجرمش اعتبارنامه ارستنجانی رده شد آقای مهتدی بدستور ارباب فعال خود بچپ رفته بود و از چپهای افراطی هم تند تر رفت و در روزهایی که هیچکس صحبت از تغییر رژیم نمی نمود پیشنهاد کرد که قانون اساسی ایران برحسب مقتضیات زمان و مکان تغییر پذیرد یکی از (رحیمیان - یک کمی بلند تر بفرمائید) چشم آقای مهتدی حکومت پیشه وری را دمکراتیک و مطابق آرزو های ملت ایران خوانده و اگر دادگاهی تشکیل شود و رسیدگی نماید خواهد دید که سهم ایشان نیز در تحریک و خیانت از بسیاری از کسانی که بروی چوبهای دار جان دادند یا تیرباران شده یادر زندانها زندگی بدتر ازمرگ را ادامه میدهند خیلی بیشتر بوده است اینجا معلوم میشود در مشاغل سابق یک چیزهایی هم

بوده و من تعجب میکنم که این یکسال پیش نوشته شده است حالا استیضاح معلوم است من می‌آیم اینجا یک حرفهائی را که بایک مدارکی میگویم بحرفهائی من که جواب نمیدهند و می‌آیند یکمقداری ادبیات مبیافند و مقداری هم آسمان و ریسمان میگویند مجلس هم رای اعتماد میدهد و رای اعتماد هم روی چشم بنده محترم است ولی با استیضاح جواب داده نخواهد شد و اگر جوابی هم داده شود سفسطه خواهد بود چون من اینجا با مدارک صریح مطلب دیگری که برای روشن شدن این آقایان باید عرض کنم این است که اشخاص متفاوتند یک کسی است فرض بفرمائید توی همین سرهنگ هائی که آن در دادگاه هستند و محاکمه میکنند بعضی از اینها هستند که هیچ تقصیری ندارند و حتی نمیتوانیم بگوئیم که بد میکنند برای این که اینها جاهل هستند یک سرهنگ بیسوادی است باو گفته اند برو آنجا بنشین بخدمت این را محکوم بکن به پنجسال حبس میروم می نشیند این کار را میکنند چون جاهل است و چون اباس نظامی تن او است بایستی این کار را اجرا بکنند هیچ حرفی هم نمیتواند بزند ولی از قدیم گفته اند: دیه بر عاقله است اگر یک کسی از روی نفهمی یک دستوری که دیگری بهش داد اجرا بکند و ما تشخیص بدهیم که نمیداند چه بکند گله‌ای هم نباید ازش بکنیم برای این که من از بعضی از دوستان محترم خودم هم گله نمیکنم برای این که میدانم بهشان گفته اند هوز بنید و آنها هم هوز میزنند و نمیدانند موضوع از چه قرار است ولی اگر من که تحصیل کرده‌ام قلمدارم استاد دانشگاه هستم یک حرفی بزنم و بعد برخلاف آن عمل کردم و از من پرسیدند نتوانستم دلیل برای آن بیاورم که چرا من بر خلاف عمل کردم میتوانند بمن بگویند توی آدم بیشری هستی، این را میتوانند بمن بگویند، برای این که شما میتوانی بگویند آقای دکتر بقائی آرزوی که تو این مقالات را مینوشتی تو حتماً معتقد بودی یا دروغ میگفتی، از این دو شق که خارج نیست امروز که بر خلافت عمل میکنی، یا آرزوی دروغ میگفتی یا امروز پس آدم بی شرفی هستی این راه سوم ندارد، برای کسیکه علت جهل در پیش دارد هیچ بختی برای آنها نیست و آن بیچاره ایی که امروز دارند داد گستری را متفضح نمیتوانم بگویم، مسخره هم نمیتوانم بگویم کلمه ای ندارم، هیچ کلمه ای ندارم، باور کنید کسانی که با هدایه سر و کار دارند با قانون سر و کار دارند نمیتوانند یک کلمه پیدا کنند برای این جریان دادرسی ارتش، هر کسی پیدا کرد من یک سوری میدهم (بین-اسفندیاری - خیلی متشکرم) آن سرهنگ‌های بیچاره که آنجا نشسته اند یک سرهنگ ضعیفی است یا نوزده سال در خوزستان بوده ده سال در بلوچستان بسر برده خاک خورده یاد خورده، آفتاب خورده خسته شده آمده اینجا بهش گفته اند برو بنشین این جا این کار را بکن او هم میکند بر او هیچ بختی نیست ولی یک کسی که این مقالات را نوشته یک کتابهائی که ایشان ترجمه کرده اند من وقتی که میخواستم شرح حال این شخص را پیدا بکنم فریم کتابهای عجیبی را ترجمه کرده است روح القوانین ترجمه کرده چندتا کتاب از مترلینک یکی از بزرگترین متفکرین دنیا را ترجمه کرده و من میدانم چطور این شخص روح عجیبی دارد باور کنید انسان وقتی که بایک چیزی انس داشته باشد در روحش تأثیر دارد البته

ترجمه یک حالت نزدیکی و انس عجیبی را ایجاد میکند پس وقتی که آقای کفائی یک کتابی را ترجمه میکند طبعاً در آن موافقی که باین کار میرسد یک نزدیکی روحی فوق العاده ای با آن مؤلف کتاب پیدا میکند آقایان بکنید کار ترجمه دست دارند گمان میکنم عرایض مرا تصدیق میکنند که در آن موقع ترجمه یک نزدیکی عجیبی پیدا میشود و من نمیدانم کسی که سازس ادستینه مترلینک را ترجمه میکند این شخص چه جور این ادعا نامه را صادر میکند و افما من نیفهم که چطور این طور میشود (رحیبان) - آقای دکتر بقائی تمام قضایائی که در کشور اتفاق میافتد صدی نود و نهمش مربوط به نفع است تمام تغییر و تبدیلهائی که میخواهند بدهند کم کم روزگار برگشت نهضت دمکراتیک قلابی از آب درآمد آقای مهتدی هم دشمن خونین آنهاست یکی از دوستانم با دداشتی برای من فرستاده بنویسد خطاب بمن که بفرمائید بعضی اینک آقای مهتدی سرهنگ شد و مدال گرفت سرگرد بنی صدر و یکی دیگر که نمیتوانم بخوانم سروان و ستوان یکم خواهند شد یعنی تنزل مقام وقتی که این رتبه را میدهند خلاف مقررات خواهد بود چند تا رتبه خالی میماند باید از چند تا رتبه بگیرند تا باو بدهند وقتی که یکی از ستوان یکمی یک دهمه میشود سرهنگ دو و بعد هم امسال برای این که این خدمات را کرده سرهنگ تمام میشود بهر حال آقای مهتدی هم دشمن خونین افسران فراری و خائنین آذربایجان شد افسرانی که خود ایشان یادوستانشان را ترغیب بفرار کرده اند من این مطلب را بشت این تریبون انشاء الله ثابت خواهم کرد دوستانم مقصود تیمار سپهبد حاجعلی خان رزم آراء است (دهقان - اینطور نیست) من ثابت خواهم کرد شما بیاید این جا جواب بدهید، با مدرک ثابت خواهم کرد بنده هیچ توهین نمیکنم، بنده دارم تاریخی میگویم هر جا که من بدون مدرک حرف زدم دهن مرا خورد کنید (حاذقی - آقای دکتر بقائی شما از اول مجلس را متشنج کردید نگذاشتید کاری انجام بشود) مال شمارا هم اطلاع خواهند داد آقای حاذقی راهم یادداشت کنید که دفاع کردند اولاً من یک چیزی را بدوستان عرض میکنم که من متوجه هستم که کاملاً یک عده باید اینجا اعتراض بکنند و من از این خوشوقتم برای این که هر کس در این صحبت‌هائی که من با مرجع در اینجا میکنم و نامه‌ای را میخواهم بصحبت‌های دیگر کاری ندارم، هر کس اعتراض بکند البته یک تشکر فوق العاده‌ای از شما خواهم داشت آنها بضمون این که گفته اند، از آن گناه که نفعی رسد بشر چه باک، خیلی خوشوقتم از اینکه با دوستانی که یکی دوسال باهم کار کرده‌ام از این که بمن فحش میدهند یک وسیله بشود در انتخاب دوره شان زدهم آنها **حاذقی** - ما احتیاج بیک از هیچ مقامی نداریم ولی آقا شما مجلس را متشنج کردید بکنار بده مجلس کار بکنند، بس است آقا دست از کار ملت بردارید ما نیامده‌ایم این جا لاطاللات بشنوم ما هزار کار و بدبختی داریم.

نایب رئیس - اگر یک نماینده‌ای مطابق عقیده خودش بگوید این حرف شما درست نیست این دلیل باین نیست که شما باو اهانت بکنید و او را تحت نفوذ و سلطه خود بیاورید که هر چه میگویند بگویند صحیح است اینطور نیست آقا آنها هم حرف خودشان را میزنند.

دکتر بقائی - ... بنده جناب آقای رئیس با مدرک این جا صحبت میکنم و با مدرک جواب میخواهم **نایب رئیس** - چرا توهین میکنید با هو کردن و مانع صحبت شدن این جواب نیست.

دکتر بقائی - بنده هر کدام از این حرفهائی که این جا میزنم اگر مدرک در مقابلش ارائه ندم حاضر بهر گونه تنبیهی که معین بفرمائید هستم.

نایب رئیس - هر یک از آقایان که یک حرفی میزنند شما یک توهین غیر مستقیم را مستقیماً جواب میدهید.

دکتر بقائی - من توهین نمیکنم خدمت میکنم. **نایب رئیس** - کسی بخدمت شما احتیاج ندارد استیضاح است صحبت خودتان را بفرمائید هر چه میخواهید بگویند چرا توهین میکنید.

دکتر بقائی - ... قبل از خاتمه دادن این مقاله لازم میدانم این مقاله است بنده میخواهم که عمل نکنم و فضاحت آمیز ایشان یعنی سرکار سرهنگ مهتدی را در دادسرای ارتش با اطلاع خوانندگان محترم برسانم ضمناً یاد آور میشوم که در چنین جریانی مهتدی تنها نبوده و بدون هیچگونه تردیدی دوستان وی نیز اوزار ترغیب و مساعدت نموده اند اینک بشرح اولین عمل فضاحت آمیز ایشان میردازم بدون تردید خوانندگان محترم مخصوصاً آنهائی که در آذر سال ۱۳۲۴ جرایم تهران را ملاحظه میفرمودند اطلاع دارند که فجع ترین صحنه‌های سال ۲۴ در سراب واقع شده این قسمت را من شخصاً اطلاع ندارم اگر آقایان نظر دیگری داشته باشند به بنده بفرمائید چون این عین مقاله است که میخواهم فجعترین صحنه‌ها و مهمترین جیانکار این داستان آقای هاشمی سرابی بود که افسران زاندار مری را بمسلسل بسته و پای آنها را ازه کرده بود این مطلب آقای امامی صحیح بوده (بهادری - نه آقا صحیح نبوده است) و هزار گونه اهانت بخانواده آنان روا داشته همین طور بوده (یک نفر از نمایندگان خبر نبوده) و در ارتش دمکراتیک پیشووری سرگرد گردیده این مقاله است که میخواهم چون گفتم که راجع باین قسمت مدرکی ندارم یک سلسله مقالاتی است با مضای روزنامه هاورد (دهقان) این روزنامه هاورد بطرز مخصوص و برای مقصد معینی و برای اخلاص منتشر شده از طرف یک پاند معین هم منتشر شده شما نباید استاد کنید بمسندرجات آن روزنامه) من دارم میخوانم من استاد نمیکنم **دهقان** - پس چرا میخوانید چرا وقت خودتان **دکتر بقائی** - معلوم میشود این موضوع حساس است (دهقان - نه آقای دکتر درباره بنده خواهش میکنم این حرفها را نزنید) این عنصر خائن بعد در سال ۱۳۲۵ دستگیر و در محکمه محکوم باعدام شد اگر این راست باشد واقعا چیز عجیبی است خانواده او که دارای ثروت سرشار میباشد برای بدست آوردن یک درجه تخفیف و تبدیل حکم اعدام هزار گونه تشبث کردند حتی تقاضا نمودند اجازه داده شود یک سرباز خانه برای یک هنگ در سراب بسازند و این یک درجه تخفیف بآنها داده شود البته کسانی که با برو و حیثیت افسری عقیده داشتند زیر بار نرفتند تا اینکه در

این اواخر با کمک آقای مهتدی هاشمی از زندان و مرگ هر دو نجات یافت (امامی - آقا این چه حرفی است هاشمی الان هم در زندان است) اینجا نوشته است (امامی مزخرف نوشته پاره کنید بریزید دور) سر ناپاد روغ است من دیگر استاد نمیکنم **دهقان** - چرا یک شخصی مثل شما باین مندرجات مشتبث شود وقت خودتان و مجلس را میگیرید **محمد علی سعیدی** - برای اطلاع آن عرض میکنم که این ارگان سر لشکر ارفع است و اختلاف شدیدی با سپهبد رزم آراء دارد همیشه یک مطالبی بر علیه ایشان نوشته میشود **باتما قلیچ** - یک خدمت گذاری را لااقل خراب نکنید **دکتر بقائی** - حالا یک موضوع دیگری را میخواهم خدمت آقایان عرض کنم که کرا را صحبت شده و ایرادات و اعتراضاتی کردند عرض کنم در موقعی که من استیضاح را دادم در اینجا گفتم که چون تأمین جانی ندارم در مجلس تعصن اختیار میکنم (حاذقی - خلاف فرمودید هیچ کس در این مملکت نیست که تأمین جانی نداشته باشد این دما گوژی ها چیست؟) آقای حاذقی - هر که گوید کلاغ چون باز است نشنوندش که دیده ما باز است از این تکذیب شامدار اصل موضوع تفاوتی نمیکند شما دلایل مرا اول گوش بدهید بعد تکذیب کنید قبل از اینکه من دلایل خودم را عرض کنم شما حقوق خواننده اید مکه هر رفته اید باید وقار بیشتری داشته باشید (حاذقی - ما مکه رفتیم ولی دما گوژی نمیکنیم) بلی متأسفانه همان طور که رفته اید برگشته اید (حاذقی - من از اول هم دما گوژ نبودم) بنده گفتم که چون تأمین جانی ندارم در مجلس متعصن میشوم بکنده از آقایان دوستان میآید من میگفتم که چرا رسیدی و آمدی متعصن شدی اولاً این را از اینجا میخواهم بدهم دوستانم تذکر بدهم که اگر من ترسیده بودم اصلاً این صحبت‌ها را نمیکردم من تأمین نداشتم و خواستم پیش از این که بین آسیبی برسد بتوانم حرفهائی بزنم اما حالا می‌آیم سر دلایل نداشتم تأمین پیش از این که دلایل را عرض کنم یک واقعه ای که همین پریروز اتفاق افتاده برای آقایان عرض میکنم عریضه ایست که شخصی بمقام ریاست مجلس شورای ملی فرستاده است، آنرا میخوانم - ریاست محترم مجلس شورای ملی و کلاهی داد گستری که وابسته بقوه مقننه و سازمان قضائی کشورند سهم آنان در اجرای عدالت و قانون غیر قابل انکار است و لذا موقعیت و ارزش اجتماعی آنان بایستی مورد احترام باشد ولی با کمال تأسف با اطلاع ریاست محترم مجلس شورای ملی میرساند که علی رقم این حقیقت هنگامیکه ساعت نه روز ۲۲ فروردین ۱۳۲۸ جهت کسب اطلاع از پرونده مهتمی که این جانب را بوکالت خود معرفی نموده بود بداد گاه تجدید نظر شماره دو فرماندار نظامی مراجعه نمود بنده دستور سر تیب نظری رئیس داد گاه منشی داد گاه که سروان همدینی هست بصیعت هشت تن سرباز و نگهبان این جانب را در داد گاه بعضی مضروب و مجروح ساخته و دشنامهای توهین آمیزی ایراد داشتند عدالت اجتماعی است (کشاورز صدر - دروغ مینویسند) شما بیاید رد کنید بگفتن این که دروغ است رد نمیشود (کشاورز صدر - دلیلی هم ضمیمه اش هست) بلی دلیل

هم هست - چون بحیثیت شغلی این جانب لطمه جبران ناپذیر وارد ساخته اند و از طرفی ارتکاب بعضی جرایم از لحاظ جنبه عمومی تأثیر بسزائی در سر نوشت ارگان قانون و عدالت اجتماعی دارد مراتب بعرض ریاست محترم مجلس شورای ملی رسیده با تقدیم احترامات فائمه محسن فرزانه و کبیل پایه یک داد گستری - اما شکایت چه بوده این شخص رانا دیروز بنده ندیده بودم، یکی از دوستان من آمد گفت که یک شخصی است با اسم فرزانه، و کبیل داد گستری است و میخواهد مرا به بیند گفتم خوب، دیروز صبح این شخص آمد پیش من و جریان کار خودش را که اینطور برای من تعریف کرد گفت که یکی از جوانهائی که گرفته اند و تحت تعقیب است اسمش را گفت خاطر من نیست، گفت من و کبیل این شخص بودم در داد گاه بدوی این شخص محکوم شد سه سال حبس با ع.ا.ل شافه گفتم ما تجدید نظر دادیم در تجدید نظر چونکه مترسیدند من یک حرفهائی بزنم در محکمه که خوب نباشد مرا بایک حیله قانونی طرد کردند رسم این است که وقتی که برای یک متهمی یک وکیل تعیین میکنند از طرف داد گاه یا بوسیله کانون و کلا باو اخطار میشود و یک اخطاریه میفرسند که تو وکیل فلانی هستی آن وکیل هم زیر اخطاریه مینویسد که قبول کردم یا قبول نکردم و بعد هم البته وکیل باید برود پرونده را رسیدگی کند - عرض کنم که این شخص وکیل آن جوان بوده در محکمه بدوی، بعد هم محکمه تجدید نظر تشکیل میشود و رئیس محکمه میگوید چون آقای فرزانه برای دیدن پرونده نیامده معلوم میشود که نمیخواهد این وکالت را قبول کند و بنا براین وکیل تسخیری برای او معین میکنم، دوستان من میدانند که من حافظه زیادی ندارم چیز های زیادی راجع بمتهم شنیدم که نمیخواهم اینجا صحبت کنم خودم هم هیچکدامشان را نمیشناسم عرض کنم که توی روزنامه مینویسند که چون آقای فرزانه حاضر بوکالت نشده باین جهت یک وکیل دیگری معین میشود این شخص میروید و توی محکمه میگوید که آقا کی بمن مراجعه شد که من قبول وکالت نکرده باشم که آبروی مرا میبرید میگویند تو وکیل هستی و نیامدی منم باید خودش بشما اطلاع بدهد این شخص میگوید متهم که در زندان است او وسیله اطلاعی ندارد و از آن گذشته رسم و قانون براین است که محکمه بوسیله کانون و کلا یا بوسیله کلانتری اطلاع بدهد همین طور است آقای سزاوار (سزاوار - بخودش اطلاع میدهند) میگویند آقا اینجا محکمه نظامی است ما فرصت نداریم از اینکارها بکنیم میگوید آخر قانونی هست جواب میدهم مرد کلان فلان شده تو قانون را برخ من میکشی اینرا بیرون کنی و بریزد و این وکیل عدلیه را از داد گاه بیرون میکنند این شخصی که پهلوی بنده آمده دستش یک خراش مختصری داشت و در رانش هم یک خراش خیلی بزرگی داشت که گویا بهداری شهر بانی تصدیق کرده که این یک قدری هم استراحت میخواهد (کشاورز صدر - اینها دلیل نبود آقای دکتر اینها ادعا بود) این نامه است (کشاورز صدر - آن دلیل نشد) شما میتوانی طبق این نامه این وکیل عدلیه را تعقیب بکنید بنوان اشاعه اکاذیب (سزاوار - اگر در محکمه بدوی وکیل بوده لابد

محتاج اطلاع نبوده) اما این موضوع با اصطلاح جمله معترضه‌ای بود حالا میرسیم بموضوع تأمین و موضوع امنیت عرض کنم که اما موضوع تأمین و موضوع امنیت بنده اینجا نمیخواهم عرض بکنم فقط دو کلمه میخواهم بآقایان عرض کنم که چطور میشود میگویند راهها امن است یا میگیرید راهی امن نیست راهها را وقتی میگویند امن است که چطور باشد؟ البته وقتی که دزد نباشد توی راهها اگر دزدی نباشد که قافله را بزند و با جلوی اتومبیل را بگیرد میگویند راهها امن است و اگر دزد باشد توی راهها و دزدان مسلحی باشند که جلوی اتومبیل را بگیرند یا قافله را بزنند میگویند که راهها ناامن است، چطور میشود که دزد پیدا میشود یا پیدا نمیشود اگر یک قوه صحیحی در مملکت حکم فرما باشد و جاده هارا نگهدارد و زاندارم و امنیه و اینها هم وظیفه خودشان را درست انجام بدهند و دزدها را بگیرند و تنبیه کنند بعد دزدها میروند سر جایشان مینشینند یا از راههای دیگر دزدی میکنند ولی اگر برعکس یک دزد مسلحی آمد توی راه و جلوی یک اتومبیلی را گرفت یک نفر را هم مثلا کشت یا مالش را برد و بعد کاری باو نکردند یعنی مثلا محکوم شد بیک ماه حبس قابل اتباع این بعد از یکماه بر میگردد میروند تفنگش را بر میدارد و میروند بین راه - آقای دکتر اقبال شما باید گوش بدهید چون مربوط بوزارت کشور میشود، البته این شخص اگر دید تنبیه زیادی نیست او تفنگش را بر میدارد و میروند توی راه جلو قافله را میگیرد سایر دزدها هم که مینیند کسی کاری بآنها ندارد آنها هم میآیند دزدی میکنند و آنوقت یک راهی میشود ناامن این یک توضیح خیلی ساده و بدیهی بود حالا از راه بیرون میآیم و میرسیم تهران و مجلس که مرکز قوه مقننه است و امن ترین و محترم ترین و مقدس ترین نقطه در هر کشوری، در ایران هم اینجا است در اینجا یک اتفاقی رخ داد برای اینکه بآقایان یادآوری کرده باشم یک خبری را در روزنامه اطلاعات میخوانم چون این روزنامه هم اخبارش دقیق است و هم خیلی مرتب است باین جهت من خیلی استفاده میکنم از این واقعه تأسف آور - امروز در صحن مجلس مهندس رضوی را سیلی زدند یک ساعت بعد از ظهر امروز هنگامیکه آقای مهندس رضوی میخواست از مجلس خارج بشود در داخل حیطه مجلس شورای ملی جلو اداره بازرسی مورد حمله آقای برخوردار سرهنگ بازنشته ارتش قرار میگیرد. (باتما قلیچ - فحش داد زندنش) قبول دارم شما هم بفرمائید بنده را بزنید.

مکی - معنی عدالت هم همین است !!

باتما قلیچ - هر کس فحش داد میزنندش.

نایب رئیس - آقای باتما قلیچ این حرف را نزنید آقا.

دکتر بقائی - عرض کنم آقای مهندس رضوی در آن نطق تاریخی که در این مجلس کرد مطالب زیادی را اظهار داشت.

کشاورز صدر - بسیار بشزر مملکت هم بود.

نایب رئیس - آقای کشاورز صدر خواهش میکنم.

مکی - ولی آقای ساعد فرمودند که باندازه یک ارتش صد هزار نفری خدمت کرد.

دکتر بقائی - عرض کنم يك مطالب زيادی راجع بسوء جريانات اداری گفت که البته بهیچکدام از اینها ترتیب اثری که داده نشد هیچ جوابی هم ندادند همین طور آمدند آسمان و ریمان گفتند و ولی راجع باین شخص بخصوص من حضور داشتم که منتشر راسر مهندس رضوی گذاشتند که برای این حرفها باز نشسته شد من حضور داشتم و راجع باصل موضوع هم کار ندارم اصلا وارد نمیشود که حرفهای مهندس رضوی حق بود یا حق نبود راجع باین شخص و میبایستی گفته باشد یا نگفته باشد ولی قدر مسلم این است که منتشر را سر مهندس رضوی گذاشتند که چون تو گفتی بد است ما باز نشسته اش کردیم خلاصه آمد در صحن مجلس شورای ملی توی گوش مهندس رضوی عرض کنم این خبر مال شنبه دوم بهمن ماه است در دوشنبه چهارم بهمن ماه در روزنامه اطلاعات مینویسند بر خوردار سرهنگ باز نشسته ارتش با تودیع وجه الضمان آزاد گردید اما تفصیل یکساعت بعد از ظهر امروز پیرونده اهانت و ضرب و جرح آقای برخوردار تحویل آقای دادستان تهران گردید و خود او نیز در زندان داد گستری توقیف شد بنا به دستور آقای پیراسته دادستان تهران و نماینده ساوه بشعبه ششم دادسرا برای بازپرسی فرستاده شد «این نماینده ساوه اش توی روزنامه اطلاعات نیست» و برخوردار مورد بازپرسی قرار گرفت متهم ضمن بازپرسی چنین گفته است: آقای مهندس رضوی ضمن یکی از نطق های خود نام مرا برده و نسبت دزدی و ارتشاء بمن داده و بدینوسیله نام من و خانواده ام را لکه دار کرده اند بنده نیز برای رفع سوء تفاهم چند روز بیایی برای ملاقات ایشان و اثبات اینکه مورد اتهامی بر من وارد نیست و مرفضین اطلاعات غلط با ایشان داده اند کوشش میکردم تا آنکه آن روز مرفق بملاقات ایشان شدم و قضیه را برای اثبات بیگناهی خود پیش کشیدم اما باز هم ایشان قانع نشدند و حتی ضمن صحبت عصبانی گردیده و بمن حمله کردند ناچار بنده نیز در مقام دفاع از خود برآمدم باز پرس شعبه ۶ پس از پایان بازپرسی قرار آزادی او را بقیه تودیع سید زار ریال وجه الضمان صادر میکنند این را سر بسته گفتم برای اینکه گفتم آقایان توجه کنند برای اینکه این بازپرس هم فهمیده که این موضوع کوچکی نیست والا با سه هزار ریال صادر میکرد و چون متهم از اجرای قرار خودداری مینماید تحویل زندان میشود تا اینکه در شب یاسی از شب گذشته با اجرای قرار وجه الضمان البته بهتیم گفته میشود پول او هم گفته بود که پول ندارم گفته میشود برو توی جیب تا اینکه در شب یاسی از شب گذشته قرار آزادی او صادر میگردد ایشان در روز سوم بهمن آزاد شدند عرض کنم که اما این خودش گفته که به چون بمن توهین کرده و کسی رسیدگی نکرد من زدم ولی اگر دنباله این را يك قدری ما شروع بتحقیق بکنیم بجز های خیلی جالب توجهی بر سر من نمیگویی چه کسانی به برخوردار دستور دادند که به مهندس توهین کند من نمیگویم و نمیدانم که چه جور آنها را اگر خود آقایان علاقه داشته باشند بیرون دنبالش بریدند و شاید بگویند که تمام این باز نشستگی و فلان اینها بکسورت سازی بوده ولی راجع با آنها من کاری ندارم ولی این آقای برخوردار که بقید کفیل آزاد شد سرهنگ باز نشسته هم هست توجه بفرمائید نه متخصص است نه مهندس

است نه دکتر است هیچکدام از اینها نیست یکدفعه می بیند یکی از حساس ترین دستگاههای فنی این مملکت يك احتیاج فوق العاده ای بوجود این شخص پیدا میکند و من خیلی متأسفم از اینکه مجبورم در اینجا يك مدار کی را بخوانم که بعضی از دوستان من اسامان توی این مدارك هست از این قسمت خیلی من متأسفم ولی بفرموده سقراط معلم اول میگوید من سقراط شاگرد افلاطون بوده یکجا يك عقیده ای برخلاف عقیده استادش اظهار کرده بود (باتما نقلیج - ارسطو بود آقا) متشکرم آقای باتما نقلیج که بما در اینجا درس فلسفه هم دادید الهی شکر این یادداشت شود که آقای باتما نقلیج بدکتر بقائی استاد دانشگاه درس فلسفه هم دادند (مکی- آقای رئیس چرا توهین میکنید اخطار نمیکنید) با آقایان نباید اخطار بکنند توی سر من هم حق دارند بزنند

نایب رئیس - هیچکس حق توهین ندارد.

دکتر بقائی - آخرش چرا برای او زنک نمی زنید این توهین نیست من بیه بالاتر از این را بنتم مایلهام (زنک رئیس)

نایب رئیس - اگر کسی توهین بکند من جلو گیری میکنم.

دکتر بقائی - ... ولی تمدن خوشخانه حالا هم که ما راه افتاده ایم با ندهمهای سریع بطرف تمدن پیش میرویم ولی همینقدر هست که با زبری بدانشگاه درس فلسفه میدهد عرض کنم که آقای برخوردار روز دوم بهمن يك نماینده مجلس را در صحن مجلس كتك زد و در سوم با قید کفیل آزاد شده حالا از مجلس برویم یکقدری آنطرف شهر بطرف چهار راه حسن آباد و خیابان سپه و خیابان استخر می بیند در روز ۱۹-۱۲ یعنی تقریباً یکماه بعد يك دستوری باین مضمون صادر شده: آقای تجدد معاون مالی بانک دستور فرمائید فعلا دوهزار تومان در اختیار آقای برخوردار بگذارند تا یستی که حضوراً مذاکره شد بودجه و کار ایشان تهیه و ابلاغ مشارالیه پس از تهیه بودجه این مبلغ جزء آن محسوب خواهد شد «این عین عبارت است از روی خود خط من استیضاح کردم» ۲۷/۱۲/۲۷ امضاء فروهر زیر آن دستور نوشته شده دستور بالامدرک پرداخت چك شماره ۶۰۶/۲۱۷۰ کضمن ثبت شماره ۳۰۲۸۱-۲۷/۱۲/۲۷ بحساب منظور گردیده است ولی فکر بکنید این دوهزار تومان را که دادند این پیش قسط است خیلی بیشتر است این فقط يك پیش قسطی است که علی الحساب داده اند تا اینکه برای ایشان شغلی تهیه کنند فکر بکنید این مفتضح نیست يك سرهنگی که ارتش باز نشسته اش کرده وزیر دارائی دستور داده که باز نشسته گان را بخدمت برنگردانند بنده خودم در چندماه پیش یکی از دوستان من همشهری عزیز من يك دكتر طبی بود باسم دكتر معینی این مرحوم شد آقای دكتر اقبال هم میشناختم و در بودجه وزارت بهداری هم كلك کرده اند باو این مرحوم شد و سابقه اش هم هست خانم این آموزگار بوده و وقتیکه این مأموریت پیدا کرده بود رفته بود مدتی بیلوچستان و سیستان و بعد هم مدتی بخرمشهر هر کس هم که این رامیشناخت میدید که بسیار شخص شریف و نجیبی بود که بعد از چندین سال خدمت يك کسالتی پیدا کرد و چند سال هم مرض

بود و جوانمرك شد عرض کنم که خانم اوسا بقا آموزگار بوده وقتیکه شوهر کرد دید اینطرف و آنطرف میرود و بازندگیشان وفق نمیدهند این بتقاضای خودش منتظر خدمت شد ملاحظه فرمائید ما اقدام کردیم که این زن که شوهرش اینجور جوانمرك شده چندتا بچه هم دارد عایدی هم ندارد این را بر گردانند بخدمت وزارت فرهنگ که بتواند اعاشه بکند گفتند نمیشود چون منتظر خدمت بوده قابل برگشتن نیست مقررات اجازه نمیدهند این را بمن گفتند که مقررات اجازه نمیدهند ولی همان مقررات آقای برخوردار را اجازه میدهند آنها بچه تنگ و افتضاحی حالا برایتان توضیح میدهم برای وجود جناب ایشان يك اداره در بانک صنعتی ایجاد شده تا اینکه يك اداره ای هم باشد بگویند آقای دكتر سجادی تو رئیس اداره هستی تو برو او را بگذارند سرچایش ولی خیر آقایك اداره ای ایجاد شد باسم اداره اطلاعات و تحقیقات آقای سرهنگ برخوردار باز نشسته ارتش و تحت تعقیب برای توهین بوکیل در مجلس شورایی رئیس اداره شدند ولی باندازه ای گند این قضیه بالا آمده بود که میگویند وای بان مرده ای که مرده شو هم برایش گریه بکنند که خود آنها هم که حکم صادر کردند نجات نکردند که آن حکم را ابلاغ کنند حکم را دادند گذاشت توی جیبش از این حکم من فقط شماره اش را دارم و مدار کی که پرداخت شده چون آنرا مجبور بوده اند در دفتر ثبت کرده اند ولی اصل حکم را نه نوشته دارد ولی همه میدانند که آقای برخوردار سرهنگ باز نشسته ارتش رئیس اداره تحقیقات و اطلاعات است اما يك نامه ای در تاریخ ۲۲ اسفند آقای برخوردار مینویسد: ریاست حسابداری «این تاریخها را آقایان خیلی دقت بکنند» بسا توجه بدستور شماره هیجده هزار و پانصد ۰۰۰ بیخشید تاریخش ۲۷ اسفند است من اشتباه گفتم اینهم که تأیید میکنم و اشتباه خودم را اصلاح میکنم برای اینست که وقتیکه میآیند جواب بدهند میگویند این حرفها چرند بود تو گفتی در ۲۲ اسفند این حکم صادر شده است در صورتیکه در ۲۷ صادر شده است ولی اصل موضوع دیگر مایله چون ۲۲ صادر نشده ۲۷ صادر شده اصل موضوع دیگر مایله میشود اینهم طرز جواب گفتن باستیضاح است در تاریخ ۲۷ اسفند ۲۷ آقای سرهنگ برخوردار نامه ای مینویسد ریاست اداره حسابداری «در نظر داشته باشید نام آقای فروهر ۲۷/۱۲/۲۷ است» ایشان مینویسد: باتوجه بدستور شماره ۶۰۶/۲۳۰۱۴/۱۸۰ کارگزینی حقوق اینجناب را نه هزار ریال تعیین شده «این را هم خودش نوشته این عین عبارت خودش است این را هم زیادی است ولی من مجبورم بخوانم چون يك وقت میگویند که ما هم توش داریم» (خنده نماینده گان) ضمناً طی يك گزارش هم در تاریخ ۲۷/۱۲/۲۷ اشتغال بکار خود را گزارشی گردیده است اینهم سوادش هست از تاریخ ۲۷/۱۲/۲۷ ایشان گزارش داده اند که من مشغول کار شدم در تاریخ ۲۷/۱۲/۲۷ آقای فروهر نوشته اند که این پول را پیش بدهند تا بعد يك فکری برایش بشود یعنی از آنوقت باید پول بگیرد چون هیچ نمیشد که معطل شود، متنی است حقوق این برج را برسم علی الحساب با اینجناب لطف فرمائید رئیس اداره اطلاعات و تحقیقات، بکوری

چشم بنده و هر کس که احترامی برای شتون و کالت قائل است ، برخوردار. زیرا این نامه نوشته شده است اداره مرکزی پیرداز داماضاعیژان نمیتوانم بخوانم درست و باز زیرش نوشته شده است بموجب مدرک بالا چك شماره ۲۷۳۲۵ مبلغ نه هزار ریال بنام آقای برخوردار صادر و طبق ثبت شماره ۲۷۵۳۰ ۲۷-۱۲-۲۷ بحساب منظور گردیده این تمام نشد يك بخشنامه محرمانه که متأسفانه من رونوشت آن را بدست نیاورم چون خیلی محرمانه بوده ولی شماره اش ظاهرأ ولی بقید تردید عرض میکنم اما نگویید که هر نامه ای گفت با قید تردید بود بقیه را باضرس قاطع میگویم ۲۷/۱۲/۲۷ ولی راجع باین تردید دارم بتمام ادارات و کارخانجات دستور داده اند هر نوع اطلاعیکه آقای سرهنگ برخوردار لازم دارد در ادارات و کارخانجات در دسترس او بگذارند ولی تنها اینها را در دسترس نگذاشته علاوه بر اینها اتومبیل هم در دسترس گذاشته اند مزایا هم پیش میرد ازند و در تعطیلات همین عید هم با اتومبیل بانک صنعتی ایشان مشغول اطلاعات و تحقیقات درمازندران بودند (رحیمیان - آقای دكتر میگویند خیر نه آخرأ دو سه هزار ریال پول دادند برایش اتومبیل خریده اند) با میگویند من سرو کار ندارم برای اینکه من باید بامدرک حرف بزنم این را میگویند آقا دروغ گفت ایوای افترا عدد ۱۹۶ هزار ریال بوده (خنده نماینده گان) پس ملاحظه فرمودید يك سرهنگ باز نشسته آمده يك کیلی را زده حالا هر کی بوده کارش نداریم يك کیلی را زده تحت تعقیب درآمده دوش حبس شده بعد تضمین داده آزاد شده این سرهنگ اگر مهندس بود متخصص چیزی بود من این حرفها را نیز دم میگفتم احتیاج داریم ، بدون هیچ تخصصی بدون هیچ علمی بدون هیچ چیزی یکدفعه می بینم بانک صنعتی این را استخدام میکند با نهد تومان حقوق آقای گلشائیان نهد تومان حقوق بله جناب آقای صفوی استخدام میکنند ، اتومبیل هم پیش میدهند ، يك اداره هم برایش درست میکنند راجع به پرونده توهین به مهندس رضوی بروید به پیشه هیچ اقدامی شد؟ خیر آن دیگر را که ماند آقا مزد خوب میدهند من وقتیکه میگویم تأمین جانی ندارم برای اینست که مزد خوب میدهند مهندس رضوی آمد اینجا جانش را کف دستش گذاشت و برای این ملت و مملکت حرف زد (صفوی - چی چی گفت) (کشاورز صدر. اعلام جرم کرد بر علیه شما) این را توقع دارم آقای کشاورز صدر و ارداحاسات نشوید نه میدانم فحش دادولی خواهش میکنم راجع باین قسمت شما سکوت بکنید این يك قسمت را بگذارید کنار چون خودتان هم میدانید خواهش میکنم چون در عالم دوستی است و از این قسمت نشوید چون این منتهای رذالت است اسباب تأسف من میشود این جا گفته شود این را من استدعا میکنم بخود من هر چه میخواهید بگویند من هیچ باکی ندارم ولی راجع باین قسمت خواهش میکنم حرفی نزنید نباید حقیقت را پایمال کرد مهندس رضوی همه تان اگر اقرار نکنید در قلبتان میدانید که جانش را گذاشت کف دستش و يك حقایق گفت (کشاورز صدر - دیوانه شد آقا کجا جانش را گذاشت کف دستش يك حرفهایی را در حال جنون زد) این شخص یک نفر امداد را کتک زد می بینم این شخص انسر باز نشسته ارتش است یکدفعه يك اداره ای در بانک صنعتی برای او ایجاد میشود با ماهی نهد

تومان حقوق و مزایا و اینجور بخشنامه های محرمانه دو دو هزار تومان هم علی الحساب پیش میدهند در حالیکه برای يك زن پاشکسته آموزگاری که شوهرش مرده و منتظر خدمت بوده وزارت فرهنگ ما یا مقررات اجازه نمیدهند آقا مقررات اجازه نمیدهند که این زن برگردد بخدمت ما اجازه نداریم ما او چه نداریم ولی برای آقای سرهنگ برخوردار مقررات اجازه میدهند که آن علی الحساب را پیش بدهند اتومبیل هم پیش بدهند اداره هم پیش بدهند ماهی نهد تومان هم پیش بدهند حالا گردش درمازندران هم خوب البته خرج سفرهای گزاف هم میدهند من از دوست عزیزم آقای مکی خیلی متشکر هستم که این اطلاعات را که جمع آوری کرده بودند با مدارکش با کمال سخاوت در دسترس من گذاشتند وقتیکه من این را می بینم من فهمم که امنیت نیست تأمین جانی وجود ندارد وقتی که می بیند که من چه برده های را میخواهم اینجا بالا بزنم البته وقتیکه برای يك سیلی دوهزار تومان علی الحساب و يك اداره و نهد تومان حقوق و مزایا و يك اتومبیل بدهند برای يك چاقو خیلی بیشتر میدهند و افلا شرم هم نمی کنند در دوره سابق وقتی که عشقی را کشتند به قاتل عشقی یواشکی کمک میکردند دیگر آن حیا و آبرو هم رفته آقای ساعد باین شخص ریاست يك اداره را میدهند من از شما استیضاح میکنم که بچه مناسبت چه احتیاجی بود که برخوردار که بنمایند مجلس توهین کرده بود با ماهی نهد تومان و يك اتومبیل و يك اداره برایش ایجاد بکنند این را من از شما استیضاح میکنم و جواب میخواهم و خواهش میکنم جوابی که میدهند نیاید بگویند که ۲۶ اسفند نبوده و ۲۷ اسفند بوده بیایند اینجا توضیح بدهید که چه احتیاجی بوده ، بیایند بمن بگویند که این برخوردار متخصص برق بوده ، مهندس بوده ، متخصص آمار بوده ، چه بوده ؟ خوش خط بوده برای خطش آخر يك چیزی بیاید يك توجهی بکنند که چرا باین شخص کار دادند این را بیایند جواب بدهید بن آنها یک میگویند تو دروغ میگوئی تأمین هست آنها جواب بدهند اگر شعور داشته باشند می فهمند که این اداره ایجاد نشد ، دوهزار تومان مساعده داده نشد ماهی نهد تومان حقوق داده نشد در صورتیکه يك سرهنگ حقوقش ۶۰۰ تومان است اتومبیل داده نشد ، مزایا داده نشد مگر برای يك چیز برای اینکه جناب سرهنگ برخوردار در صحن مجلس شورای ملی سیلی بگوش يك و کیل فضول زد برای این چیز ها داده شد آقایان آتوقت شما میگویند تأمین هست خیلی تعجب میکنم از شما که میگویند تأمین هست تأمین در مملکتی که دادستان ارتش آن آن سابق را داشته باشد، کسبیکه و کیل را زده اینجور حقوق پیش میدهند، مقاله نویسی که آن مقاله نوشته مقاله نوشته آقا به پنجال حبس، پنجال حبس! کسانیکه با قلم سرو کار دارند و معنی حبس را میفهمند چه بگویم يك کسی هست نوشته مقاله نوشته میگویند پنجال تو حبس بشو چون مقاله نوشتی در يك همچین کشوری تأمین هست؟ نخبر که نیست، دنیا بدانند که تأمین نیست و من میخواهم که جواب بدهید من که چه چیز الزام میکرد که در این بلانک صنعتی من نمیخواهم وارد بانک صنعتی شوم والا اینقدر گفتنی هست که دوره تمام میشود فقط يك بانک صنعتی تمام نمیشود من راجع

بانك صنعتی دیگر صحبت نمیکنم ولی همینقدر بدانید يك بانك صنعتی که امسال پانصد و چند هزار تومان كسرخج دارد، كسر درآمد دارد يكدفعه احتیاج پیدا كند كه آقای برخوردار را يك اداره برایش تأسیس بكنند، اتومبیل پیش بدهند ، نهد تومان حقوق هم پیش بدهند وقتی برای يك سیلی که به مهندس رضوی زده شود يك اداره و نهد تومان حقوق و يكدانه اتومبیل و مزایا برای جلوگیری از این حرفهاییکه من تا حالا زدم و بقیه اش را خواهم زد خیلی بیشتر است برای اینکه ممکن است وزارت بدهند و کالت که چیز پیش یا افتاده است ، چیزهای دیگر بدهند این را آقایانیکه میل دارند بدانند اینها مقدمه حرفهای من است این خلاصه است ، اینها اصل موضوع نیست اینها اردور است .

رحیمیان - الان یکساعت بعد از ظهر است ۵:۳۰ ع. م. سی - پیشنهاد بنده را قرائت بفرمائید .

نایب رئیس - اجازه بفرمائید پیشنهادی کرده اند که جلسه بعنوان تنفس ختم شود و جلسه امروز بعد از ظهر باشد (صحیح است)

محمد علی سعودی - اجازه بفرمائید فردا ممكن است که برای پرداخت حقوق مستخدمین دولت لایحه بیاورد بمجلس چون ممكن است فردا لایحه پرداخت حقوق مستخدمین بیاید و وقت مجلس صرف مذاکرات در اطراف لایحه خواهد شد از اینجهه بنده پیشنهاد کردم که امروز بعد از ظهر جلسه تشکیل شود .

نایب رئیس - آقا کسی مخالف نیست ؟

آزاد - بلی بنده مخالف هستم برای اینکه طرف صبح وعصر مانیرسیم و کارهاییکه در پیش است نمیتوانیم بیایم .

نایب رئیس - بگذارید خود آقای دكتر بقائی توضیح بدهند

دکتر بقائی - عرض کنم که بنده حاضر هستم صحبت بکنم بکنواخت از حالا تا نصف شب هیچ وقت خسته نمیشوم ولی يك موضوع را بگویم و آن اینست که بنده بعنوان يك دوازدهم مجبور میشوم بعنوان مخالف پیام استیضاح را بکنم اجازه نمیدهم که با يك دوازدهم جلوش و قفه حاصل شود چون این حرفهاییکه بنده میخواهم بزنم حرفهای خیلی مهمی است و این چیزهاییکه در مجلس گفته شده است برای مجلس خوش آیند نیست كوسط حرفهای من چیز دیگری مطرح شود (کشاورز صدر- آقای دكتر برای بعد از ظهر بهیمن منظور بود) بعد از ظهر ممكن است برای يك دوازدهم ولی در جلسه ای که من هستم اگر بخواهند استیضاح من جلوش و قفه ایجاد شود من مجبور میشوم بعنوان مخالف با همان همه حرفهایم را بزنم و لو اینکه مستخدمین دولت هم يكماه حقوقشان بتأخیر بیفتد .

تعمیل جلسه بعنوان تنفس

نایب رئیس - پس نظری بگیریم بین افکار آقایان که فردا صبح ساعت سه نیم قبل از ظهر اگر آقایان دیر بیایند یا اظهار كسالت بكنند یا بیاد داشته باشند والا جریمه خواهند شد (مجلس ۵:۰۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - ظفر ایلخان

شماره ۱۷۷۰-۴۰۹	۲۸-۱-۲۸	شماره ۱۷۴۰-۵۴۹	۲۸-۱-۲۷	شماره ۱۰۹۱-۳۵۸	۲۸-۱-۲۱
آقای سید قدرت‌الله خاتمی	بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در قریه کلور دهستان شاهرود خلخال برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد.	آقای سید عبدالحسین چاوشی سردفتر اسناد رسمی شماره ۴ تهران	بموجب این ابلاغ دفتر شما را در شهر تهران برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.	آقای عبدالوهاب خراسانی	بموجب این ابلاغ دفاتر شما در قریه آتش‌یک هشتروند برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد. وزیر دادگستری
وزیر دادگستری		وزیر دادگستری		وزیر دادگستری	
شماره ۱۷۶۸-۵۵۸	۲۸-۱-۲۸	شماره ۱۴۶۴-۵۳۳	۲۸-۱-۲۴	شماره ۱۰۷۷-۳۵۱	۲۸-۱-۲۱
آقای سید نبی‌الله قاضی سردفتر ازدواج حنوق و بیابانک	بموجب این ابلاغ دفتر شما را در حنوق و بیابانک برای ثبت طلاق رسمیت میدهد.	آقای سید محمد حسین قنات‌آبادی سردفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۹ تهران	بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر اسناد رسمی پذیرفته میشود.	آقای عبدالوهاب علمی سردفتر ازدواج و طلاق یزدان آباد زرند کرمان	بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما بیخس مشیز تبدیل میشود طبق مقررات انجام وظیفه نمایند. وزیر دادگستری
وزیر دادگستری		وزیر دادگستری		وزیر دادگستری	
شماره ۱۷۹۰-۵۱۸	۲۸-۱-۲۸	شماره ۱۴۶۲-۷۳۱	۲۸-۱-۲۴	شماره ۱۰۸۳-۴۳۷	۲۸-۱-۲۱
آقای محمد کریم محمدیان سردفتر ازدواج دهستان کوکلان گنبد کاوس	بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر ازدواج پذیرفته میشود.	آقای ابوالقاسم سادات افجه دفتربار درجه اول تهران	بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم تهران منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.	آقای عباس رضائی کر دمحله	بموجب این ابلاغ دفاتر شما در دلارستان کرگان برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد. وزیر دادگستری
وزیر دادگستری		وزیر دادگستری		وزیر دادگستری	
شماره ۱۷۸۰-۸۲۵	۲۸-۱-۲۸	شماره ۱۷۸۶-۸۲۴	۲۸-۱-۲۸	شماره ۱۰۷۹-۱۹۹	۲۸-۱-۲۱
آقای روح‌الله دلیری دفتربار درجه اول گیلان	بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم آستانه گیلان منصوب میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.	آقای جعفر احمدی تنکابنی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج دهستان نشارود شهسوار	بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما بدیهستان اصل آباد کرج تبدیل میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.	آقای محمد اسمعیل صادقی سردفتر اسناد رسمی قلهک	بموجب این ابلاغ دفتر شما در قلهک برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد. وزیر دادگستری
وزیر دادگستری		وزیر دادگستری		وزیر دادگستری	
شماره ۱۷۸۴-۳۵۵	۲۸-۱-۲۸	شماره ۱۷۷۶-۳۶۶	۲۸-۱-۲۸	شماره ۸۹۰-۳۷۱	۲۸-۱-۲۰
آقای کشیش دیراشوت بوغوسیان سردفتر ازدواج طایفه مسیحیان شاهرود	بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر ازدواج پذیرفته میشود.	آقای عبدالرسول حنوق سردفتر ازدواج دهستان کالج کجور	بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفتر شما بدیهستان ناتل کنار آمل تبدیل میشود طبق مقررات انجام وظیفه نمایند.	آقای سید حسین میرعباسی	بموجب این ابلاغ دفتر شما در غازیان برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد. وزیر دادگستری
وزیر دادگستری		وزیر دادگستری		وزیر دادگستری	
شماره ۱۷۸۴-۳۵۵	۲۸-۱-۲۸	شماره ۱۷۷۶-۳۶۶	۲۸-۱-۲۸	شماره ۶۴۳-۲۵۲	۲۸-۱-۱۴
آقای کشیش دیراشوت بوغوسیان سردفتر ازدواج طایفه مسیحیان شاهرود	بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر ازدواج پذیرفته میشود.	آقای عبدالرسول حنوق سردفتر ازدواج دهستان کالج کجور	بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفتر شما بدیهستان ناتل کنار آمل تبدیل میشود طبق مقررات انجام وظیفه نمایند.	آقای حسن مجتهدی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج گنبد کاوس	بموجب این ابلاغ دفتر شما در گنبد کاوس برای ثبت طلاق رسمیت میدهد. وزیر دادگستری
وزیر دادگستری		وزیر دادگستری		وزیر دادگستری	